

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مناظره با عنوان:

بطلان عدالت صحابی و فحاشی پیامبر اهل سنت

۱۳۹۶/۹/۲۰



جویای کارناروی الحنفی

آخرین بازدید در 21:07



سید عباس

آنلاین

شهید سید اوینی: شاید جنگ به اتمام رسیده باشد اما مبارزه هنوز ادامه دارد

@Sfgh_5678

نام کامل

@seyedabbas_133

نام کامل

(اهل سنت عمر)

(شیعه)

ابرگروه مناظراتی خیمه گاه حضرت ابوالفضل ع
ابرگروه مناظراتی خیمه گاه حضرت ابوالفضل ع

سیدالنورانی:

شما کار پیدا نکردید که یکسره از این گروه به اون گروه میروید و مفتضح میشیید؟؟؟

جویای کار نارویی حنفی:

Surah Aal-e-Imran, Verse 26:

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ
إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بگو: «بارالها! مالک حکومتها تویی؛ به هر کس خواهی، حکومت می‌بخشی؛ و از هر کس خواهی، حکومت را می‌گیری؛ هر کس را خواهی، عزت می‌دهی؛ و هر که را خواهی خوار می‌کنی. تمام خوبیها به دست توست؛ تو بر هر چیزی قادری.

(Farsi)

via iQuran

سیدعباس:

پس قبول داری که خدا تو را خوار و ذلیل کرده

جویای کار نارویی حنفی:

- علی بن ابراهیم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): إذا رأيتم الرجل لا يبالي ما قال ولا ما قيل له فإنه لغية أو شرک شیطان [3].

<http://lib.eshia.ir/11005/2/0>

هرگاه مردی را دیدید که برایش فرقی ندارد چه بگوید و چه در موردش بگویند، بدانید یا ولد الزنا است، یا این که شیطان شریک اوست!

سیدعباس: پس قبول دارید که عمر زنا زاده بوده و همچنین عایشه هم زنا زاده بوده چون یاوه زیاد می‌گفتن

جویای کار نارویی حنفی:

3-عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِئِنَةَ عَنْ أَبِي بِنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص [۲] إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ فَحَّاشٍ بَدِيءٍ قَلِيلٍ الْحَيَاءِ - لَا يُبَالِي مَا قَالَ وَ لَا مَا قِيلَ لَهُ ...

امیرالمومنین از حضرت رسول الله صلی الله علیهما و آلهما نقل میکنند که ایشان فرمودند:

خداوند بهشت را بر تمامی فحاش ها حرام کرده! بخاطر کم حیا بودند و اینکه هیچ ابایی از این ندارد که درباره مردم چه بگوید و مردم درباره او چه بگویند

الکافی (ط - الإسلامية) / ج 323 / 2 / باب البذاء ص : 323

سیدعباس:

با این صورت بهشت بر عایشه هم حرام است زیرا از فحاش ها بوده یا عایشه لا تکنونی فاحشه حالا بماند که عمریه فاحشه را به معنای زنا کردن گرفتند

جویای کار نارویی حنفی:

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): إذا رأيتم أهل الریب و البدع من بعدى فأظهروا البراءة منهم و أكثروا من سبهم و القول فيهم و الوقیعة و باهتوهم كيلا يطمعوا فى الفساد فى الإسلام و يحذرهم الناس و لا يتعلمون من بدعهم يكتب الله لكم بذلك الحسنات و يرفع لكم به الدرجات فى الآخرة

رسول اکرم (صلى الله عليه و آله) فرمود: هر گاه پس از من، أهل شک و بدعت را دیدید، از آنها بیزارى بجوئید و بسیار به آنها دشنام بدهید و درباره آنها بد بگوئید و بهتان بزنید و طعن بزنید و آنها را با برهان و دلیل، وامانده سازید تا به فساد در اسلام طمع نکنند و مردم از آنها بر حذر شوند و از بدعت های آنها نیاموزند تا خدا برای شما در برابر این کار، حسنات بنویسد و درجات آخرت را برای شما بالا ببرد

منبع

الكافي للشيخ الكليني، ج 2، ص 375 - وسائل الشيعة (آل البيت) للحر العاملي، ج 16، ص 267 - بحار الأنوار للعلامة المجلسي، ج 71، ص 202 - جواهر الكلام للشيخ الجواهری، ج 41، ص 413 - كتاب المكاسب للشيخ الأنصاري، ج 1، ص 353 - كفاية الأحكام للمحقق السبزواری، ج 1، ص 437 - جامع المدارك للسيد الخوانساری، ج 7، ص 98 - جامع أحاديث الشيعة للسيد البروجردی، ج 14، ص 443

سیدعباس:

خوب این هم از نادانی تو هست زیرا در اینجا فرموده سب کن و نفرمود فحش بده

خدایی نادانی از سر و کله شما جماعت احمق می بارد

بماند که بالا ثابت شد عایشه بهتشی نیست

حالا جالبه در کتب خودشان هم آمده پیامبر اهل سنت کارش فحش بوده

باب (13): این سخن رسول الله که فرمود: پروردگارا! بنده ای را که من اذیت کردم، آنرا برایش باعث کفاره گناهان و نزول رحمت بگردان

2058- وَعَنْهُ: أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ فَأَيُّمَا مُؤْمِنٍ سَبَبْتُهُ، فَاجْعَلْ ذَلِكَ لَهُ قُرْبَةً إِلَيْكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». بخاری(6361):

ترجمه: ابوهریره می گوید: شنیدم که نبی اکرم می فرمود: «خدایا! مؤمنی را که من ناسزا گفتم، روز قیامت آنرا برایش باعث قرب و نزدیکی خود، قرار بده».

جالبه در اینجا پیامبر اهل سنت به یک مومن فحش داده

حال انکه حکم فحش به مسلمان نزد خودشان چیه؟؟

46- حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَرُورَةَ قَالَ حَدَّثَنَا شُعْبَةُ عَنْ زُبَيْدٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا وَائِلٍ

عَنْ الْمُرْجِنِيِّ فَقَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ سَبَابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ

فحش دادن به مسلمان موجب فسق و پیکار با وی سبب کفر است

صحيح بخاری كتاب الايمان باب خَوْفِ الْمُؤْمِنِ مِنْ أَنْ يَحْبَطَ عَمَلُهُ حَدِيث 46

صحيح البخاري

للإمام
أبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري
(١٩٤ - ٢٥٦هـ)

طبعة جديدة مصبوبة ومصححة ومفهرسة

دار الكتب العلمية
دمشق - بيروت

٧٠٧٣ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ حَدَّثَنَا سَفِيَانُ قَالَ: قُلْتُ لِعَمْرٍو: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ «سَمِعْتَ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: مَرَّ رَجُلٌ بِسَهَامٍ فِي الْمَسْجِدِ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَمْسِكْ بِنِصَالِهَا، قَالَ: نَعَمْ». [انظر الحديث: ٤٥١].

٧٠٧٤ - حَدَّثَنَا أَبُو التُّعْمَانِ حَدَّثَنَا حَمَادُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ عَمْرٍو بْنِ دِينَارٍ «عَنْ جَابِرٍ أَنَّ رَجُلًا مَرَّ فِي الْمَسْجِدِ بِأَسْهُمٍ قَدْ بَدَأَ نُصُولَهَا، فَأَمَرَ أَنْ يَأْخُذَ بِنُصُولِهَا لَا يَخْدُشُ مُسْلِمًا». [انظر الحديث: ٧٠٧٣، ٤٥١].

٧٠٧٥ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَلَاءِ حَدَّثَنَا أَبُو أَسَامَةَ عَنْ بُرَيْدٍ عَنْ أَبِي بُرْدَةَ «عَنْ أَبِي مُوسَى عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: إِذَا مَرَّ أَحَدُكُمْ فِي مَسْجِدِنَا - أَوْ فِي سُوقِنَا - وَمَعَهُ نَبْلٌ فَلْيُمْسِكْ عَلَى نِصَالِهَا - أَوْ قَالَ: فَلْيَقْبِضْ بِكَفِهِ - أَنْ يُصِيبَ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ مِنْهَا بَشِيءٌ». [انظر الحديث: ٤٥٢].

٨ - بَابُ قَوْلِ النَّبِيِّ ﷺ: «لَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كَفَّارًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ»

٧٠٧٦ - حَدَّثَنَا عَمْرٌو بْنُ حَفْصٍ حَدَّثَنِي أَبِي حَدَّثَنَا الْأَعْمَشُ حَدَّثَنَا شَقِيقٌ قَالَ: «قَالَ عَبْدُ اللَّهِ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: سَبَابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ». [انظر الحديث: ٤٨، ٦٠٤٤].

٧٠٧٧ - حَدَّثَنَا حِجَابُ بْنُ مَنَهَالٍ حَدَّثَنَا شُعْبَةُ أَخْبَرَنِي وَأَقْدَمَ عَنْ أَبِيهِ «عَنْ ابْنِ عُمَرَ أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: لَا تَرْجِعُونَ بَعْدِي كَفَّارًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ». [انظر الحديث: ١٧٤٢، ٤٤٠٣، ٦٠٤٣، ٦١٦٦، ٦٧٨٥، ٦٨٦٨].

٧٠٧٨ - حَدَّثَنَا مَسَدَّدٌ حَدَّثَنَا يَحْيَى حَدَّثَنَا قُرَّةُ بْنُ خَالِدٍ حَدَّثَنَا ابْنُ سَيْرِينَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَكْرَةَ «عَنْ أَبِي بَكْرَةَ - وَعَنْ رَجُلٍ آخَرَ هُوَ أَفْضَلُ فِي نَفْسِي مِنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَكْرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرَةَ - أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ خَطَبَ النَّاسَ فَقَالَ: أَلَا تَدْرُونَ أَيُّ يَوْمٍ هَذَا؟ قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ - قَالَ: حَتَّى ظَنَنَّا أَنَّهُ سَيُسَمِّيهِ بِغَيْرِ اسْمِهِ - فَقَالَ: أَلَيْسَ يَوْمَ النَّحْرِ؟ قُلْنَا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: أَيُّ بَلَدٍ هَذَا؟ أَلَيْسَتْ بِالْبَلَدِ الْحَرَامِ؟ قُلْنَا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ وَأَبْشَارَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ كَحَرَمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا، فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، فِي بَلَدِكُمْ هَذَا. أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ؟ قُلْنَا: نَعَمْ، قَالَ: اللَّهُمَّ اشْهَدْ، فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ، فَإِنَّهُ رَبٌّ مَبْلُغٌ يَبْلُغُهُ مَنْ هُوَ أَوْعَى لَهُ، فَكَانَ كَذَلِكَ. قَالَ: لَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كَفَّارًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ. فَلَمَّا كَانَ يَوْمُ حُرْقِ ابْنِ الْحَضْرَمِيِّ حِينَ حَرَقَهُ جَارِيَةٌ بِنُ قَدَامَةَ قَالَ: أَشْرَفُوا عَلَى أَبِي بَكْرَةَ. فَقَالُوا: هَذَا أَبُو بَكْرَةَ يَرَاكَ. قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ: فَحَدَّثْتَنِي أُمِّي عَنْ أَبِي بَكْرَةَ أَنَّهُ قَالَ: لَوْ دَخَلُوا عَلَيَّ مَا بَهَشْتُ بِقَصَبَةٍ». [انظر الحديث: ١٠٥، ٦٧، ١٧٤١، ٣١٩٧، ٤٤٠٦، ٤٦٦٢، ٥٥٥٠].

اتفاقا علامه مجلسی هم شرح جالبی زده

و المراد بسببهم الإتيان بكلام يوجب الاستخفاف بهم

ومراد از سب آنان آوردن کلامی که باعث استخفاف به آنان شود

مراه العقول ج 11 ص 75

در روایت مذکور به فحش اشاره نشده بلکه به سب اشاره شده و علامه هم تقریر زده

جویای کار نارویی حنفی:

این خوبی از تو بهتر دونهسته

ایت الله خوبی از بزرگترین رجالیون و فقها شیعه که مورد قبول تمام شیعیان هست میگه در کتابش مصباح الفقها درباره حرمت غیبت و بهتان زدن فقط برای اهل ایمان (منظور شیعیان) هست یعنی فقط حرام به شیعیان تهمت بزنی و مومن میگه اهل ایمان و مومن کسی که به خدا و رسول و ایمه شیعه معتقد باشه اولیش علی و آخریش امام زمان و اگر کسی یک امام شیعه انکار کنه (اهل سنت) جایز هست غیبت کردن پشت سرش این ثابت هست در روایات و دعاها و زیارات ما جواز لعن مخالفین (اهل سنت) واجب براعت از آنها و بسیار فحش دادن به آنها و تهمت زدن و بهتان به آنها (اهل سنت) هیچ شبهه ای نیست در کفر آنها (اهل سنت) انکار ولایت و ایمه حتی یکنفر باعث کفر و زندیق شدن و این متواتره

سیدعباس:

در مورد اینکه اینجا سید فرموده کافر هستید ما در مطلب ایشان ندیدم فرموده باشد اهل سنت این سنی را از جیب عمتون در آوردید؟

جویای کار نارویی حنفی:

خویی لسان العرب هم ترجمه کرده دشنام دادن و گفته متواتره کفر و فحش دادن به اهل سنت

تواتر یقین اور

سیدعباس:

حالا در مورد اینکه فرموده شما کافر هستید حق دارد طبق معیار خودتان چون خودتان هم خودتان را تکفیر کرده اید

فکل من لم یکن حنبلیا فلیس بمسلم. هر کس در دنیا، حنبلی مذهب نباشد، مسلمان نیست

تذکره الحفاظ للذهبی، ج3، ص 1187 - تاریخ الإسلام للذهبی، ج29، ص 303 و ج33، ص 58 - سیر أعلام النبلاء للذهبی، ج17، ص 625

حالا بعضی از علمای شما هم گفتن سب به معنای لعن هم هست

جواب این رو هم زکی خانوم داده و می گوید اقرار عالم نزد شما حجت است

🌳 پاسخ های اهل سنت 🌳

244 members

همان طور که مشاهده کردید نجاشی اعتراف کرده است که مؤسس تشیع ابن سبأ یهودی است و ما یک قاعده داریم که اعتراف العالم سید الأدله که مقبول شیعه و سنی میباشد و به چند نظر علمای شیعه و سنی اکتفا میکنیم:

وقد وقعت علی نص مهم فی الکافی للکلینی یشهد لکلام الشوکانی وبعترف بصدق ما قاله، والاعتراف سید الأدله أصول مذهب الشیعة الإمامیة ناصر بن عبد الله بن علی القفاری ج3 ص1230

وهذا اعتراف منهم وهم أرباب التأویل الباطنی بخلو القرآن من هذه البدعة، وهذا کافی فی نقض مزاعمه من کتبهم. 📖 فالإقرار هو سید الأدله، وبأیدیهم یهدمون بیوتهم. 📖

📖 أصول مذهب الشیعة الإمامیة الإثنی عشریة ناصر بن عبد الله بن علی القفاری ، جلد 2 ، صفحه 458.

لأن المسألة مسألة اعتراف 📖 وإقرار والاعتراف سید الأدله هذه حقيقة معروفة 📖

📖 الحوالمی الرد علی الخرافیین محمد علوی مالکی صفحه 4.

أثبتته ثبوتاً لا جدال فیہ وأعترف به، ولهذا یقول العلماء: 📖 یعتبر الإقرار سید الأدله 📖

📖 شرح لامیة شیخ الإسلام ابن تیمیة عمر بن سعود بن فهد العید ، جلد 14 ، صفحه 15.

ومن هنا یقول العلماء کلمة مشهورة: 📖 إن الإقرار سید الأدله، أي: أقوى الحجج؛ لأنک لن تجد أصدق من شهادة الإنسان علی نفسه. 📖

📖 شرح زاد المستقنع للشنقیطی جلد 15 ، صفحه 177.

جویای کار نارویی حنفی:

خیراقرارعالم حجت نیست

Surah At-Taubah, Verse 31:

اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

(آنها) دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خدا قرار دادند، و (همچنین) مسیح فرزند مریم را؛ در حالی که دستور نداشتند جز خداوند یکتائی را که معبودی جز او نیست، بپرستند، او پاک و منزّه است از آنچه همتایش قرار می‌دهند!

(Farsi)

via iQuran

سنن الترمذی ت شاکر نویسنده : الترمذی، محمد بن عیسی جلد : 5 صفحه : 278

- 3095 حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ يَزِيدَ الْكُوفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ حَرْبٍ، عَنْ عُطَيْفِ بْنِ أَعْيَنَ، عَنْ مُصْعَبِ بْنِ سَعْدٍ، عَنْ عَدِيِّ بْنِ حَاتِمٍ، قَالَ: أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَفِي عُنُقِي صَلِيبٌ مِنْ ذَهَبٍ. فَقَالَ: «يَا عَدِيُّ اطْرَحْ عَنْكَ هَذَا الْوَتْنَ»، وَسَمِعْتُهُ يَقْرَأُ فِي سُورَةِ بَرَاءةٍ: {اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ} [التوبة: 31] قَالَ: «أَمَا إِنَّهُمْ لَمْ يَكُونُوا يَعْبُدُونَهُمْ، وَلَكِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا أَحَلُّوا لَهُمْ شَيْئًا اسْتَحَلُّوهُ، وَإِذَا حَرَّمُوا عَلَيْهِمْ شَيْئًا حَرَّمُوهُ». «هَذَا حَدِيثٌ غَرِيبٌ، لَّا نَعْرِفُهُ إِلَّا مِنْ حَدِيثِ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ حَرْبٍ، وَعُطَيْفِ بْنِ أَعْيَنَ لَيْسَ بِمَعْرُوفٍ فِي الْحَدِيثِ» حسن

رسول الله می فرمایند میگه این ایه منظوراین اونها عبادت نمی کردن علماشون بلکه هرچی علماشون حلال میکردن پیروی میکردن وهرچی حرام میکردن پیروی واین همون عبادت اونهاست یعنی تقلیدکوکورانه

سیدعباس:

نیازی به ادعای تو نیست زیرا اولاً علمایت اقرار کردن و دوم زکی خانوم انرا به عنوان امر مسلم پذیرفته

همان طور که مشاهده کردید نجاشی اعتراف کرده است که مؤسس تشیع ابن سبأ یهودی است و ما یک فاعده داریم که اعتراف العالم سید الأدله که مقبول شیعه و سنی میباشد و به چند نظر علمای شیعه و سنی اکتفا میکنیم:

وقد وقعت على نص مهم في الكافي للكليني يشهد لكلام الشوكاني ويعترف بصدق ما قاله، والاعتراف سید الأدله أصول مذهب الشيعة الإمامية ناصر بن عبد الله بن علي القفاري ج3 ص1230

وهذا اعتراف منهم وهم أرباب التأويل الباطني بخلو القرآن من هذه البدعة، وهذا كافي في نقض مزاعمهم من كتبهم. 📖 فالإقرار هو سید الأدله، وبأيديهم يهدمون بيوتهم. 📖

📖 أصول مذهب الشيعة الإمامية الإثني عشرية ناصر بن عبد الله بن علي القفاري ، جلد 2 ، صفحه 458.

لأن المسألة مسألة اعتراف 📖 وإقرار والاعتراف سید الأدله هذه حقيقة معروفة 📖

📖 الحوالي الرد على الخرافيين محمد علوي مالكي صفحه 4.

أثبتته ثبوتاً لا جدال فيه وأعترف به، ولهذا يقول العلماء: 📖 يعتبر الإقرار سید الأدله 📖

📖 شرح لامية شيخ الإسلام ابن تيمية عمر بن سعود بن فهد العيد ، جلد 14 ، صفحه 15.

ومن هنا يقول العلماء كلمة مشهورة: 📖 إن الإقرار سید الأدله، أي: أقوى الحجج؛ لأنك لن تجد أصدق من شهادة الإنسان على نفسه. 📖

📖 شرح زاد المستقنع للشنقيطي جلد 15 ، صفحه 177.

نادان اینکه مربوط به یهودیان هست و نه علمای شما

نکته بعدی اینجاست این هم اقرار زکی خانوم از آقایانی که کانال دارن و جولان می دهند که بر شما صاعقه زدن

همان طور که مشاهده کردید نجاشی اعتراف کرده است که مؤسس تشیع ابن سبأ یهودی است و ما یک قاعده داریم که اعتراف العالم سید الأدله که مقبول شیعه و سنی میباشد و به چند نظر علمای شیعه و سنی اکتفا میکنیم:

وقد وقعت علی نص مهم فی الکافی للکلینی یشهد لکلام الشوکانی وبعترف بصدق ما قاله، والاعتراف سید الأدله أصول مذهب الشیعة الإمامیة ناصر بن عبد الله بن علی القفاری ج3 ص1230

وهذا اعتراف منهم وهم أرباب التأویل الباطنی بخلو القرآن من هذه البدعة، وهذا کافی فی نقض مزاعمه من کتبهم. 📖 فالإقرار هو سید الأدله، وبأیدیهم یهدمون بیوتهم. 📖

📖 أصول مذهب الشیعة الإمامیة الإثنی عشریة ناصر بن عبد الله بن علی القفاری ، جلد 2 ، صفحه 458.

لأن المسألة مسألة اعتراف 📖 وإقرار والاعتراف سید الأدله هذه حقيقة معروفة 📖

📖 الحوالم الرد علی الخرافیین محمد علوی مالکی صفحه 4.

أثبتته ثبوتاً لا جدال فیہ وأعترف به، ولهذا یقول العلماء: 📖 یعتبر الإقرار سید الأدله 📖

📖 شرح لامیة شیخ الإسلام ابن تیمیة عمر بن سعود بن فهد العید ، جلد 14 ، صفحه 15.

ومن هنا یقول العلماء کلمة مشهورة: 📖 إن الإقرار سید الأدله، أي: أقوى الحجج؛ لأنک لن تجد أصدق من شهادة الإنسان علی نفسه. 📖

📖 شرح زاد المستقنع للشنقیطی جلد 15 ، صفحه 177.

جویای کارنارویی الحنفی:

تاریخ دمشق لابن عساکر ج 51 ص 352

إعلام الموقعين عن رب العالمين لابن قيم ج 2 ص 204

نقل شده که از امام شافعی درباره موضوعی پرسیدند و ایشان اینگونه جواب دادند: یقیناً این احتمال وجود دارد که برای هر فرد سنتی از سنت های پیامبر پوشیده بماند پس هرگاه من سخنی گفتم و یا اصلی را پایه گذاری نمودم که مخالف با سنت رسول الله بود سخن پیامبر را بپذیرید که این مطابق (شیوه) حرف من است. و اهل سنت خود را ملزم به تبعیت از کسی جز الله متعال و رسولش نمی دانند چنانچه خود امام ابوحنیفه رحمه الله می گوید:

عَنْ الْإِمَامِ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا صَحَّ الْحَدِيثُ فَهُوَ مَذْهَبِي

الدر المختار وحاشية ابن عابدين (رد المحتار)

ج 1 ص 67

حدیث صحیح (از رسول) همان مذهب من است

این ابوحنیفه و شافعی

اما نزد شما قول معصوم واجب الاطاعه

سیدعباس:

در مورد اینها باید بگویم نزد اجماع مذهب شما قول صحابی حجت است چه برسد قول ائمه اربعه

وائمه الاسلام کلهم علی قبول قول الصحابی ...

همه ائمه اسلام اجماع دارند بر این که قول صحابی قبول است .

ابن قیم ، اعلام الموقعين ، ج 5 ، چاپ دار ابن جوزی ، ص 554

پس بنا بر اجماع قول غیر معصوم نزد شما حجت است این اولاً

ثانیاً کارشناسان شما انرا پذیرفتن

ثالثاً اقرار علمای شما هستن

در نزد شما هیچ کسی معصوم نیست ولو انبیا حتی خدا را هم معصوم نمی دانید

نکته بعدی قول تو خلاف اجماع هست و بنا بر اجماع قول غیر معصوم حجت است و علمای شما شرط متابعت را عصمت نگذاشته اند و نکته بعدی اینجاست شما خلاف اجماع عمل کرده اید و ابن تیمیه هم گفته کسی خلاف اجماع سخن بگوید کافره

فکر نکنی منظورش با تو هست ها خخخخخخخخ

جویای کارنارویی الحنفی:

نزد شما فعلاً پیامبرتون فحاش

سیدعباس:

فحاش نیست جوجو آوردیم که فحاش ان پیامبر شماست

یک بار دیگه با تصویر بخاری می دهم حالش رو ببری

باب (13): این سخن رسول الله ﷺ که فرمود: پروردگارا! بنده ای را که من اذیت کردم، آنرا برایش باعث کفاره گناهان و نزول رحمت بگردان

2058_ وَغَنهُ :أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ فَأَيُّمَا مُؤْمِنٍ سَبَبْتُهُ، فَأَجْعَلْ ذَلِكَ لَهُ قُرْبَةً إِلَيْكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». بخاری(6361):

ترجمه: ابوهریره می گوید: شنیدم که نبی اکرم ﷺ می فرمود: «خدایا! مؤمنی را که من ناسزا گفتم، روز قیامت آنرا برایش باعث قرب و نزدیکی خود، قرار بده».

صحيح البخاري

للإمام
أبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري
(١٩٤ - ٢٥٦هـ)

طبعة جديدة مصبوبة ومصححة ومفهرسة

دار ابن كثير
دمشق - بيروت

٦٣٥٨ - حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ حَمَزَةَ حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي حَازِمٍ وَالِدْرَاوَزْدِيُّ عَنْ يَزِيدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خَبَابٍ «عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَذَا السَّلَامُ عَلَيْكَ فَكَيْفَ نُصَلِّي؟ قَالَ: قُولُوا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ». [انظر الحديث: ٤٧٩٨].

٣٣ - بَابُ هَلْ يُصَلَّى عَلَى غَيْرِ النَّبِيِّ ﷺ؟ وَقَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ﴾
٦٣٥٩ - حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ حَرْبٍ حَدَّثَنَا شُعْبَةُ عَنْ عَمْرٍو بْنِ مُرَّةٍ «عَنْ ابْنِ أَبِي أَوْفَى قَالَ: كَانَ إِذَا أَتَى رَجُلٌ النَّبِيَّ ﷺ بِصَدَقَتِهِ قَالَ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ. فَأَتَاهُ أَبِي بِصَدَقَتِهِ فَقَالَ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى آلِ أَبِي أَوْفَى». [انظر الحديث: ١٤٩٧، ٤١٦٦].

٦٣٦٠ - حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْلَمَةَ عَنْ مَالِكٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرٍو بْنِ سُلَيْمٍ الزُّرْقِيِّ قَالَ: «أَخْبَرَنِي أَبُو حَمِيدٍ السَّاعِدِيُّ أَنَّهُمْ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ نَصَلِّي عَلَيْكَ؟ قَالَ: قُولُوا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ». [انظر الحديث: ٣٣٦٩].

٣٤ - بَابُ قَوْلِ النَّبِيِّ ﷺ: «مَنْ آذَيْتَهُ فَاجْعَلْ لَهُ زَكَاةً وَرَحْمَةً»

٦٣٦١ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ صَالِحٍ حَدَّثَنَا ابْنُ وَهَبٍ قَالَ: أَخْبَرَنِي يُونُسُ بْنُ أَبِي شَهَابٍ قَالَ: أَخْبَرَنِي سَعِيدُ بْنُ الْمَسِيبِ «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: اللَّهُمَّ فَأَيُّمَا مُؤْمِنًا سَبَيْتَهُ فَاجْعَلْ ذَلِكَ لَهُ قُرْبَةً إِلَيْكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

٣٥ - بَابُ التَّعَوُّذِ مِنَ الْفِتَنِ

٦٣٦٢ - حَدَّثَنَا حَفْصُ بْنُ عَمْرٍو حَدَّثَنَا هِشَامٌ عَنْ قَتَادَةَ «عَنْ أَنَسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ سَأَلُوا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ حَتَّى أَحْفَوْهُ الْمَسْأَلَةَ، فَغَضِبَ، فَصَعِدَ الْمَنِيرَ فَقَالَ: لَا تَسْأَلُونِي الْيَوْمَ عَنْ شَيْءٍ إِلَّا بَيَّنَّتُهُ لَكُمْ. فَجَعَلْتُ أَنْظُرُ يَمِينًا وَشِمَالًا، فَإِذَا كُلُّ رَجُلٍ لَافَتْ رَأْسَهُ فِي ثَوْبِهِ يَبْكِي، فَإِذَا رَجُلٌ كَانَ إِذَا لَاحَى الرِّجَالَ يَدْعِي لِغَيْرِ أَبِيهِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ أَبِي؟ قَالَ: حُذَافَةُ. ثُمَّ أَنْشَأَ عَمْرٍو فَقَالَ: رَضِينَا بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِمُحَمَّدٍ ﷺ رَسُولًا. نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْفِتَنِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا رَأَيْتُ فِي الْخَيْرِ وَالشَّرِّ كَالْيَوْمِ قَطُّ، إِنَّهُ صُوِّرَتْ لِي الْجَنَّةُ وَالنَّارُ حَتَّى رَأَيْتُهُمَا وَرَاءَ الْحَائِطِ». وَكَانَ قَتَادَةُ يَذْكَرُ عِنْدَ هَذَا الْحَدِيثِ هَذِهِ الْآيَةَ ﴿يَتَأَيَّأُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ بُدِّ لَكُمْ تَسْأَلُوكُمْ﴾. [انظر الحديث: ٩٣، ٥٤٠، ٧٤٩، ٤٦٢١].

جالبه در اینجا پیامبر اهل سنت به یک مومن فحش داده

حال آنکه حکم فحش به مسلمان نزد خودشان چیه؟؟

- 46 حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَرُورَةَ قَالَ حَدَّثَنَا شُعْبَةُ عَنْ زُبَيْدٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا وَائِلٍ

عَنْ الْمُرْجِيئَةِ فَقَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ سَبَابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ

فحش دادن به مسلمان موجب فسق و پیکار با وی سبب کفر است

صحیح بخاری کتاب الایمان باب خَوْفِ الْمُؤْمِنِ مِنْ أَنْ يَحْبِطَ عَمَلُهُ حدیث 46

صحيح البخاري

للإمام
أبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري
(١٩٤ - ٢٥٦هـ)

طبعة جديدة مصبوبة ومصححة ومفهرسة

دار الكتب العلمية
دمشق - بيروت

٧٠٧٣ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ حَدَّثَنَا سَفِيَانُ قَالَ: قُلْتُ لِعَمْرٍو: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ «سَمِعْتِ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: مَرَّ رَجُلٌ بِسَهَامٍ فِي الْمَسْجِدِ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَمْسِكْ بِنِصَالِهَا، قَالَ: نَعَمْ». [انظر الحديث: ٤٥١].

٧٠٧٤ - حَدَّثَنَا أَبُو التَّعْمَانِ حَدَّثَنَا حَمَادُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ عَمْرٍو بْنِ دِينَارٍ «عَنْ جَابِرٍ أَنَّ رَجُلًا مَرَّ فِي الْمَسْجِدِ بِأَسْهُمٍ قَدْ بَدَأَ نُصُولَهَا، فَأَمَرَ أَنْ يَأْخُذَ بِنُصُولِهَا لَا يَخْدُشَ مُسْلِمًا». [انظر الحديث: ٤٥١، ٧٠٧٣].

٧٠٧٥ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَلَاءِ حَدَّثَنَا أَبُو أَسَامَةَ عَنْ بُرَيْدٍ عَنْ أَبِي بُرْدَةَ «عَنْ أَبِي مُوسَى عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: إِذَا مَرَّ أَحَدُكُمْ فِي مَسْجِدِنَا - أَوْ فِي سُوقِنَا - وَمَعَهُ نَبْلٌ فَلْيُمْسِكْ عَلَى نِصَالِهَا - أَوْ قَالَ: فَلْيَقْبِضْ بِكَفِهِ - أَنْ يُصِيبَ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ مِنْهَا بِشَيْءٍ». [انظر الحديث: ٤٥٢].

٨ - باب قول النبي ﷺ: «لَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كَفَّارًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ»

٧٠٧٦ - حَدَّثَنَا عَمْرٌو بْنُ حَفْصٍ حَدَّثَنِي أَبِي حَدَّثَنَا الْأَعْمَشُ حَدَّثَنَا شَقِيقٌ قَالَ: «قَالَ عَبْدُ اللَّهِ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: سَبَابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ». [انظر الحديث: ٤٨، ٦٠٤٤].

٧٠٧٧ - حَدَّثَنَا حِجَابُ بْنُ مِنْهَالٍ حَدَّثَنَا شُعْبَةُ أَخْبَرَنِي وَأَقْدُ عَنْ أَبِيهِ «عَنْ ابْنِ عُمَرَ أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: لَا تَرْجِعُونَ بَعْدِي كَفَّارًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ». [انظر الحديث: ١٧٤٢، ٤٤٠٣، ٦٠٤٣، ٦١٦٦، ٦٧٨٥، ٦٨٦٨].

٧٠٧٨ - حَدَّثَنَا مَسَدَّدٌ حَدَّثَنَا يَحْيَى حَدَّثَنَا قُرَّةُ بْنُ خَالِدٍ حَدَّثَنَا ابْنُ سَيْرِينَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَكْرَةَ «عَنْ أَبِي بَكْرَةَ - وَعَنْ رَجُلٍ آخَرَ هُوَ أَفْضَلُ فِي نَفْسِي مِنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَكْرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرَةَ - أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ خَطَبَ النَّاسَ فَقَالَ: أَلَا تَدْرُونَ أَيُّ يَوْمٍ هَذَا؟ قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ - قَالَ: حَتَّى ظَنَّنَا أَنَّهُ سَيُسَمِّيهِ بِغَيْرِ اسْمِهِ - فَقَالَ: أَلَيْسَ بِيَوْمِ التَّحَرُّ؟ قُلْنَا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: أَيُّ بَلَدٍ هَذَا؟ أَلَيْسَتْ بِالْبَلَدَةِ الْحَرَامِ؟ قُلْنَا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ وَأَبْشَارَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ كَحَرَمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا، فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، فِي بَلَدِكُمْ هَذَا. أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ؟ قُلْنَا: نَعَمْ، قَالَ: اللَّهُمَّ اشْهَدْ، فَلْيَبْلُغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ، فَإِنَّهُ رُبُّ مَبْلَغٍ يَبْلُغُهُ مَنْ هُوَ أَوْعَى لَهُ، فَكَانَ كَذَلِكَ. قَالَ: لَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كَفَّارًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ. فَلَمَّا كَانَ يَوْمُ حُرْقِ ابْنِ الْحَضْرَمِيِّ حِينَ حَرَّقَهُ جَارِيَةٌ بِنُ قَدَامَةَ قَالَ: أَشْرَفُوا عَلَى أَبِي بَكْرَةَ. فَقَالُوا: هَذَا أَبُو بَكْرَةَ يَرَاكَ. قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ: فَحَدَّثَنِي أُمِّي عَنْ أَبِي بَكْرَةَ أَنَّهُ قَالَ: لَوْ دَخَلُوا عَلَيَّ مَا بَهَشْتُ بِقَصَبَةٍ». [انظر الحديث: ١٠٥، ٦٧، ١٧٤١، ١٧٤١، ٣١٩٧، ٤٤٠٦، ٤٦٦٢، ٥٥٥٠].

وائمه الاسلام كلهم على قبول قول الصحابي ...

همه ائمه اسلام اجماع دارند بر اين كه قول صحابي قبول است .

ابن قيم ، اعلام الموقعين ، ج ٥ ، چاپ دار ابن جوزي ، ص ٥٥٤

جويای کارنارویی الحنفی:

اتباع براجماع منقول نه اختلافی

سیدعباس:

اختلافی نیست بلکه اجماع هست

وائمه الاسلام كلهم على قبول قول الصحابي ...

همه ائمه اسلام اجماع دارند بر اين كه قول صحابي قبول است .

ابن قيم ، اعلام الموقعين ، ج ٥ ، چاپ دار ابن جوزي ، ص ٥٥٤

اخلاف نقيض اجماع هست لذا وقتی اجماع شکل گرفت اختلاف باطل می شود

از شافعی گفتم اين هم قول شافعی

ابن قيم جوزيه از قول شافعی نقل کرده كه وی گفته است:

وقد صرَّحَ الشَّافِعِيُّ فِي الْجَدِيدِ مِنْ رِوَايَةِ الرَّبِيعِ عَنْهُ بِأَنَّ قَوْلَ الصَّحَابَةِ حُجَّةٌ يَجِبُ الْمَصِيرُ إِلَيْهِ»

شافعی در نظریه جدید خود كه ربیع از او نقل می کند: تصریح کرده است كه قول صحابه حجت است و باید به

آن عمل کرد.

الزرعی دمشقی الحنبلی، شمس الدین ابوعبد الله محمد بن ابی بكر آیوب (مشهور به ابن القيم الجوزیه)

(متوفای 751هـ)، إعلام الموقعين عن رب العالمين، ج 4، ص 121، تحقيق: طه عبد الرؤوف سعد، ناشر: دار الجيل

- بيروت - 1973.

جویای کارنارویی الحنفی:

بله قول صحابه حجت کلهم عدول

سیدعباس:

تناقض و رسوایی در عرض دو دقیقه از جارویی

نقل قول از جویای کارنارویی الحنفی:

معصوم نیستن

اما بعد از خوردن صاعقه ببینید چی می گه

نقل قول از جویای کارنارویی الحنفی:

بله قول صحابه حجت کلهم عدول

سیدعباس:

پس قول غیر معصوم شد حجت

صاعقه خوبی بود

وقتی کسی جرات نمی کنه با ما بحث می کنه همینه ها

نقل قول از جویای کارنارویی الحنفی:

علما ایا صحابه اند

سیدعباس:

یعنی می خواهی بگویی صحابی معصوم هستن؟

اتفاقا قول علما هم حجت است

نکته بعدی اینجاست این هم اقرار زکی خانوم از آقایانی که کانال دارن و جولان می دهند که بر شما صاعقه زدن

همان طور که مشاهده کردید نجاشی اعتراف کرده است که مؤسس تشیع ابن سبأ یهودی است و ما یک فاعده داریم که اعتراف العالم سید الأدله که مقبول شیعه و سنی میباشد و به چند نظر علمای شیعه و سنی اکتفا میکنیم:

وقد وقعت على نص مهم في الكافي للكليني يشهد لكلام الشوكاني ويعترف بصدق ما قاله، والاعتراف سید الأدله أصول مذهب الشيعة الإمامية ناصر بن عبد الله بن علي القفاري ج3 ص1230

وهذا اعتراف منهم وهم أرباب التأويل الباطني بخلو القرآن من هذه البدعة، وهذا كافي في نقض مزاعمه من كتبهم. 📖 فالإقرار هو سید الأدله، وبأيديهم يهدمون بيوتهم. 📖

📖 أصول مذهب الشيعة الإمامية الإثني عشرية ناصر بن عبد الله بن علي القفاري ، جلد 2 ، صفحه 458.

لأن المسألة مسألة اعتراف 📖 وإقرار والاعتراف سید الأدله هذه حقيقة معروفة 📖

📖 الحوالي الرد على الخرافيين محمد علوي مالكي صفحه 4.

أثبته ثبوتاً لا جدال فيه وأعترف به، ولهذا يقول العلماء: 📖 يعتبر الإقرار سید الأدله 📖

📖 شرح لامية شيخ الإسلام ابن تيمية عمر بن سعود بن فهد العيد ، جلد 14 ، صفحه 15.

ومن هنا يقول العلماء كلمة مشهورة: 📖 إن الإقرار سید الأدله، أي: أقوى الحجج؛ لأنك لن تجد أصدق من شهادة الإنسان على نفسه. 📖

📖 شرح زاد المستقنع للشنقيطي جلد 15 ، صفحه 177.

جویای کارنارویی الحنفی:

اولا بیارمن قول صحابه رد کرده باشم

سیدعباس:

تو قول علما را مردود دانستی به علت عدم عصمت لذا بطبع قول صحابی هم باطله چون معصوم نیستن نکته بعدی اینجاست این هم اقرار زکی خانوم از اقایانی که کانال دارن و جولان می دهند که بر شما صاعثقه زدن

نقل قول از جویای کارنارویی الحنفی:

معصوم نیستن

سیدعباس:

خوب سوال ما این است ایا صحابی نزد شما معصوم هستن که قولشان را معصوم می دانی؟

این سوال ابرویت را می برد جرات جواب نداری بیچاره

جویای کارنارویی الحنفی:

فرمودزکریا گفته قول علما حجت

بنده گفتم حجت نیست

صحابه رو از کجا آوردی هان

سیدعباس:

این هم جوابت

تو قول علما را مردود دانستی به علت عدم عصمت لذا بطبع قول صحابی هم باطله چون معصوم نیستن نکته بعدی اینجاست این هم اقرار زکی خانوم از اقایانی که کانال دارن و جولان می دهند که بر شما صاعثقه زدن

نقل قول از جویای کارنارویی الحنفی:

معصوم نیستن

سیدعباس:

خوب سوال ما این است ایا صحابی نزد شما معصوم هستن که قولشان را معصوم می دانی؟

این سوال ابرویت را می برد جرات جواب نداری بیچاره

نقل قول از جویای کارنارویی الحنفی:

موضوع بحث درموردفحاش بودن پیامبردرکتب روافض

سیدعباس:

این رو باطل کردن و فحاش بودن = یامبرت رو ثابت کردم که جرات دفاع نداشتی چون بزکوهی فراری شدی

حالا جواب سوالم رو بده فرار نکن

خوب سوال ما این است ایا صحابی نزد شما معصوم هستن که قولشان را حجت می دانی؟

جویای کارنارویی الحنفی:

اتباع صحابه چون درقران هست ولی معصوم نیستن دوم اجماع صحابه حجت □ چون کلهم عدول هستن □

Surah At-Taubah, Verse 100:

وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت، و آنها (نیز) از او خشنود شدند؛ و باغهایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این است پیروزی بزرگ!

(Farsi)

via iQuran

سیدعباس: اولاً عدالت عصمت نمی آورد این اولاً ثانیاً اتباع از صحابی واجب نیست بلکه وجوب بر صحابی چون اهل بیت است

نکته بعدی این است علمایتان نگفته اجماع صحابی حجت است بلکه گفتن اجماع بر حجیت قول صحابی هست حالا سوالم رو مجدد تکرار می کنم

خوب سوال ما این است آیا صحابی نزد شما معصوم هستن که قولشان را حجت می دانی؟

اقرار زیبایی بود وقتی انها معصوم نیستن چطوری از انها تبعیت می کنید؟

در میان صحابی منحرفین و کفار بود لذا اتباع از انها واجب نبوده و وجوب در اینجا مربوط به صحابی هست که معصوم بودن

این نکته اول

نکته دوم ایه با صیغه ماضی آمده و نه مضارع

نقل قول از جویای کارنارویی الحنفی:

ماضی

سیدعباس:

نکته سوم میان صحابی منحرفین و منافقین و مشرکین و مشرکین هم بوده اند چرا شما مشرکین و مشرکین نمی کنید؟

صیغه ماضی هست یا مضارع؟

جویای کارنارویی الحنفی:

ماضی چشمات ضعیف

سیدعباس:

احسنت پس مربوط به دوره خاص است و نه تمامی ادوار لذا مدعی شما باطل است

پس این داستان جمع شد

حالا سوال را دوباره تکرار می کنم

اقرار زیبایی بود وقتی آنها معصوم نیستن چطوری از آنها تبعیت می کنید؟

جویای کارنارویی الحنفی:

والذین اتبعوهم کسانی از آنها اتباع کردن الذین نمی بینی کسانی از آنها (صحابه) اتباع کردن بهشتی اند

سیدعباس:

نادان صیغه ماضی آمده یعنی برای دوره ای خاص بوده و نه همه ادوار

یعنی صیغه مضارع نیست که الان هم بخواهی از آنها اتباع کنی

خوب حالا سوال اینجاست وقتی آنها معصوم نیستن چطوری قابل اتباع هستن؟

یا باید معصوم باشن و یا غیر معصوم اگر اتباع عصمت بیاورد با اعتقاد شما همخوانی ندارد زیرا صحابی معصوم

نیستن لذا قابل تبعیت نیستن حالا وقتی شما از غیر معصوم تبعیت می کنیدت چرا دین خود را از ائمه خود

گرفته اید حال انکه معصوم نیستن؟

خوب این هم مربوط به همان کسانی هست که در آن دوره از آنها تبعیت کردن آقای احمق نه الان

فحش رو جواب دادیم تمام شد رفت

فرار نکن

سوالات رو جواب بده

صیغه ماضی هست و نه مضارع لذا تسری بر زمان حال نمی کند

خودت هم اقرار کردی صیغه ماضی هست

نقل قول از جویای کارنارویی الحنفی:

ماضی

سیدعباس:

نارویی بدجور گند زدی ابروت رفت

بنا بر اقرار خودت ایه با صیغه ماضی آمده پس اتباع از صحابی تسری بر زمان حال ندارد و مربوط به گذشته هست با این اوصاف چگونه شما باز از صحابی اتباع می کنید؟

جواب بده

این یک سوالم بود فرار کردی

سوال دیگرم این هست که -جواب ندادی

یا باید معصوم باشن و یا غیر معصوم اگر اتباع عصمت بیاورد با اعتقاد شما همخوانی ندارد زیرا صحابی معصوم نیستن لذا قابل تعیبت نیستن حالا وقتی شما از غیر معصوم تبعیت می کنیدت چرا دین خود را از ائمه خود گرفته اید حال انکه معصوم نیستن؟

صحابی یا باید معصوم باشن و یا غیر معصوم اگر اتباع عصمت بیاورد با اعتقاد شما همخوانی ندارد زیرا صحابی معصوم نیستن لذا قابل تعیبت نیستن حالا وقتی شما از غیر معصوم تبعیت می کنید چرا دین خود را از ائمه خود گرفته اید حال انکه معصوم نیستن؟

و چرا حجیت قول علما را باطل می دانید؟

جویای کارنارویی الحنفی:

قران اتباع فرموده

سیدعباس:

قران اتباع نفرموده بلکه با صیغه ماضی فرموده در ان زمان اتباع شده

بدبختی دوم اینجاست که خود علمای شما وقتی به اختلافات صحابی بر خوردن می گویند مردم باید به کی رجوع کنن

قال أبو محمد: سالم ضعيف، وقد سمى بعضهم المولى فقال: هلال مولى ربيع، وهو مجهول لا يعرف من هو أصلاً، ولو صح لكان عليهم لا لهم، لانهم - نعى أصحاب مالك وأبي حنيفة والشافعي - أترك الناس لابي بكر وعمر، وقد بينا أن أصحاب مالك خالفوا أبا بكر مما رووا في الموطأ خاصة في خمسة مواضع، وخالفوا عمر في نحو ثلاثين قضية مما رووا في الموطأ خاصة، وقد ذكرنا أيضاً أن عمر وأبا بكر اختلفا، وأن اتباعهما فيما اختلفا فيه متعذر ممتنع لا يقدر عليه أحد.

ابومحمد اندلسی می گوید که سالم ضعیف هست و روایت حجت نمی باشد، و هلال مولى ربيع هم مجهول هست و اگر هم صحیح باشد به ضرر اهل سنت هست، زیرا شافعی و حنفی و مالک یارانش را اجازه نداده اند که به ابوبکر و عمر اقتدا کنند،

خود مالک در 5 مورد در موطا با ابوبکر مخالفت کرده و با عمر هم در 30 مورد در موطا مالک اختلاف کرده است، و خود ابابکر و عمر هم با هم اختلاف داشتند

و در این اختلاف ها مردم به کی رجوع کنند؟

الكتاب : الأحكام لابن حزم - ج 6، ص 809

کمرت در این اقرار عالمت شکست

خود علمای درمانده شدن می گویند مردم با صحابی دچار اختلاف شدن و حتی اقوال صحابی را دو زار ارزش نمی دانند

لذا از آنها تبعیت نمی کنن

جویای کارنارویی الحنفی:

اینم قول رسول

فاقتدوا بلذین ابوبکر وعمر

حدیث رسول

سیدعباس:

اتفاقا این روایت رو هم ضعیف می داند

حالا با توجه به این اقرار عالمانت

ثابت می شود

فرار نکن

ثابت شد که مذهب شما علمای قائل بر این نبودن که اتباع از صحابی واجب است لذا اولاً از آنها تبعیت نمی کردن ثانیاً دستور می دادن که تبعیت از ابوبکر و عمر نکنید و ثالثاً خودشان مانده بودن در این اختلاف به کی رجوع کنن

لذا این اختلافات ثابت می کند که اتباع از آنها واجب نیست و استدلال شما به قران از بیخ و بن باطل است

حالا سوال را مجدد تکرار می کنیم

بنا بر اقرار خودت ایه با صیغه ماضی آمده پس اتباع از صحابی تسری بر زمان حال ندارد و مربوط به گذشته هست با این اوصاف چگونه شما باز از صحابی اتباع می کنید؟

صحابی یا باید معصوم باشن و یا غیر معصوم اگر اتباع عصمت بیاورد با اعتقاد شما همخوانی ندارد زیرا صحابی معصوم نیستن لذا قابل تبعیت نیستن حالا وقتی شما از غیر معصوم تبعیت می کنید چرا دین خود را از ائمه خود گرفته اید حال آنکه معصوم نیستن؟

نارویی دوره فرار تمام شده ، شیوه ات برای همه اشکار شده

همه می دانند وقتی از سید صاعقه می خوری و جواب نداری تکرار مکررات می کنی

یاالله جواب بده بیچاره

رفقا مایل هستید که صاعقه بعدی رو هم بزنم ؟

۵ - عدة من أصحابنا ، عن أحمد بن محمد ، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع ، عن جعفر بن بشير ، عن يحيى بن أبي العلاء ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال إن الحسن بن علي عليه السلام طلق خمسين امرأة فقام علي عليه السلام بالكوفة فقال يا معاشر أهل الكوفة لا تنكحوا الحسن فإنه رجل مطلق فقام إليه رجل فقال بلى والله لننكحنه فإنه ابن رسول الله صلى الله عليه وآله وابن فاطمة عليها السلام فإن أعجبتك أمسك وإن كرهه فطلق. امام صادق ميگه امام حسن 50 زن طلاق دادن بهمین خاطر امام علی فرمودن ای مردم کوفه به امام حسن زن مدهید چون حسن مردی مطلق (زیادزن طلاق میده)

الحديث الرابع : موثق.

نام کتاب : مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول نویسنده : العلامة المجلسی جلد : 21 صفحه : 96

http://lib.eshia.ir/%D8%A7%D9%84%D8%B9%D9%84%D8%A7%D9%85%D9%87_%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%AC%D9%84%D8%B3%DB%8C

سیدعباس:

از موضوع فراری شده رفته سر مطلق بودن امام

واییییییییی خداییییییییی من فرار رو بین

این روایت در کتب شما هم آمده

در کتاب مجمع الزوائد للهيثمي

- وَعَنْ مُحَمَّدٍ - يَعْنِي ابْنَ سِيرِينَ - قَالَ: خَطَبَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ إِلَى مَنْصُورِ بْنِ سَيَّارِ بْنِ رَبِيعِ بْنِ الْفَزَارِيِّ ابْنَتَهُ فَقَالَ: وَاللَّهِ إِنِّي لَأُنكِحُكَ، وَإِنِّي لَأُعْلِمُ أَنَّكَ عَلِقٌ طَلِقٌ مَلِقٌ غَيْرَ أَنَّكَ أَكْرَمُ الْعَرَبِ بَيْنَنَا وَأَكْرَمُهُ نَسَبًا □ رَوَاهُ الطَّبْرَانِيُّ، وَرِجَالُهُ ثِقَاتٌ

یعنی: محمد بن سيرین نقل میکند که امام حسن بن علی از دختر منصور بن سیار خواستگاری کرد، منصور گفت: به خدا قسم؛ او را به ازدواج تو در می آورم در حالی که می دانم تو زود طلاق می دهی ولی این ازدواج به خاطر این است که تو از گرامیترین خاندان عرب و دارای با شرافترین نسب هستی!

این روایت را طبرانی نقل کرده ، و روایانش ثقه و مورد اعتماد هستند

لینک روایت:

http://library.islamweb.net/newlibrary/display_book.php?flag=1&bk_no=87&ID=7798

در کتاب سیر اعلام ذهبی

الْوَأَقِدِيُّ : حَدَّثَنَا حَاتِمُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ ؛ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، عَنْ أَبِيهِ : قَالَ عَلِيُّ : مَا زَالَ حَسَنٌ يَتَزَوَّجُ وَيُطَلَّقُ حَتَّى خَشِيتُ أَنْ يَكُونَ يُورِثُنَا عِدَاوَةً فِي الْقَبَائِلِ ، يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ ! لَا تُزَوِّجُوهُ فَإِنَّهُ مِطْلَاقٌ ، فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ هَمْدَانَ : وَاللَّهِ لَنُزَوِّجَنَّهُ ، فَمَا رَضِيَ أَمْسَكَ ، وَمَا كَرِهَ طَلَّقَ

لینک روایت:

http://library.islamweb.net/newlibrary/display_book.php?bk_no=60&ID=276&idfrom=330&idto=334&bookid=60&startno=3

خوب بر می گردیم به موضوع اصلی

طبق اقرار علمای اهل سنت، حجتی صحابی و ایضا علمای اهل سنت قائل بر این نبودن ایه 100 سوره توبه دلالت بر اتباع از صحابی دارد لذا نه صحابی از قول هم اتباع داشتن و نه علمای اهل سنت از قول صحابی اتباع می کردن تا جایی که می گفتن از قول صحابی پیروی نکنید

حالا سوالات را تکرار می کنیم

بنا بر اقرار خودت ایه با صیغه ماضی آمده پس اتباع از صحابی تسری بر زمان حال ندارد و مربوط به گذشته هست با این اوصاف چگونه شما باز از صحابی اتباع می کنید؟

صحابی یا باید معصوم باشن و یا غیر معصوم اگر اتباع عصمت بیاورد با اعتقاد شما همخوانی ندارد زیرا صحابی معصوم نیستن لذا قابل تعیبت نیستن حالا وقتی شما از غیر معصوم تبعیت می کنید چرا دین خود را از ائمه خود گرفته اید حال آنکه معصوم نیستن؟

منتظر جواب هستیم در مورد روایت سب بالا جواب دادم تکرار مکررات فایده نداره

نارویی فرارت از بحث رو دادیم برای پی دی اف این بی ابرویت هم به مابقی رسوایی هایت اضافه می شود همه برایت می خندن

گفتیم جواب جدید بده و نه جواب تکراری

جواب تکراری که گفتی فعل ماضی هست رو بالا پاسخ دادیم و گفتیم

وقتی فعلی ماضی شد یعنی محصور به زمان است و نه تسری بر کل زمان

و دلیل هم این هست حتی نه خود صحابی و نه خود علمایت پیروی نکردن و بلکه دستور به عدم اتباع دادن

جویای کارنارویی الحنفی:

عجب مثلا ایاتی ماضی خطاب برسول پس به اون آیات عمل نکن چون ماضی هستن

سیدعباس:

جالب اینجاست که حتی خود جماعت عمریه از مولا علی علیه سلام هم تبعیت نکرده اند

فَلَيْسَ فِي الْأُمَّةِ الْأَرْبَعَةِ - وَلَا غَيْرِهِمْ مِنْ أُمَّةٍ الْفُقَهَاءِ مَنْ يَرْجِعُ إِلَيْهِ فِي فِقْهِهِ

در میان ائمه اربعه اهل سنت و غیر از ائمه اهل سنت و فقها اصلا به فقه و فتوهای علی بن ابی طالب مراجعه نمی کردند

الکتاب: منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدریه-المؤلف: تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبي القاسم بن محمد ابن تیمیة الحرانی الحنبلی دمشقی (المتوفی: 728هـ)-

المحقق: محمد رشاد سالم-الناشر: جامعه الإمام محمد بن سعود الإسلامیة - ج 7- ص 530

این هم از فرار علمای شما از پیروی از مولا علی علیه سلام

اما در مورد اینکه گفتید آیاتی با صیغه ماضی برای رسول الله آمده می‌گوییم مثلا کدام ایه هست که دستور به امت شده انجام بدهید و باید انرا ترک کرد؟

نقل قول از جویای کارنارویی الحنفی:

بله واجب الاطاعه رسول الله 98 در صدر روایات ما از رسول

سیدعباس:

این هم از نادانی شما هست اگر اتباع از رسول الله هست پس چطوری دین را از همه صحابی گرفته اید به جز مولا علی علیه السلام

وكل من الصحابة الذين سكنوا الأمصار أخذ عنه الناس الإيمان والدين وأكثر المسلمين بالمشرق والمغرب □ لم يأخذوا عن علي شيئا فإنه رضى الله عنه

منهاج السنة النبوية ج 8 ص 49

ابن تیمیه میگوید که ما از همه صحابی دینمان و ایمانمان را گرفتیم ولی از اهل بیت نگرفتیم.

جویای کارنارویی الحنفی:

چون صحابه کلهم عدول عن نقل من رسول الله

سیدعباس:

این نقل حدیث نیست احمق بلکه حجیت قول خودشان هست

پس ما برگردیم به مطلب اول

این اقا گفت از علما تبعیت نمی‌کنیم چون معصوم نبودن

جویای کارنارویی الحنفی:

حجیت قول خودشون نیست عزیزم ناقل هستن صحابه از رسول

بله واجب اتباع نیستن

اما صحابه خدا گفته اتباع کنین

Surah At-Taubah, Verse 100:

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت، و آنها (نیز) از او خشنود شدند؛ و باغهایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این است پیروزی بزرگ!

(Farsi)

via iQuran

اتباع از صحابه نقل قران

سیدعباس:

بازم که گند زدی عمووووووووووووووو

خوب این بی چاره امد به ایه ای استدلال کرد که با قول خودش ابروی خودش را برد دقت کنید

نقل قول از جویای کارنارویی الحنفی:

Surah At-Taubah, Verse 100:

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند ، خداوند از آنها خشنود گشت، و آنها (نیز) از او خشنود شدند؛ و باغهایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این است پیروزی بزرگ!

(Farsi)

via iQuran

اتباع از صحابه نقل قران

سیدعباس:

حالا سخن خود جارویی را ببینید که از صحابی پیروی می کنند طبق این ایه به چه دلیلی

نقل قول از جویای کارنارویی الحنفی:

حجیت قول خودشون نیست عزیزم ناقل هستن صحابه ازرسول

سیدعباس:

پس مشخص است این ایه سخن از اتباع از صحابی نمی دهد بلکه طبق این ایه، صحابی روایاتی که از رسول الله را نقل کردن را منظور کرده بر اتباع

یعنی ایه که فرموده اتباع از رسول کنید منظور از اتباع متوقف بر ان روایاتی هست که صحابی از رسول خدا نقل کردن

نارویی ابروی خودت را بردی

پس این ایه ربطی به حجیت قول صحابی ندارد بلکه استدلال ایه بر روایات صحابی هست

حالا دو صاعقه می خوری

صاعقه اول این هست که طبق این اقرار شما اصلا قول صحابی حجیتی ندارد و طبق ایه فقط روایات انها حجت است

نقل قول از جویای کارنارویی الحنفی:

چون صحابه کلهم عدول عن نقل من رسول الله

حجیت قول خودشون نیست عزیزم ناقل هستن صحابه ازرسول

سیدعباس:

حالا صاعقه دوم اینجاست ایا طبق قران باید از همه صحابی تبعیت کرد ؟

می گویم خبر زیرا خو خداوند در سوره حجرات ایه 6 صحابی را فاسق دانسته و می فرماید نباید از انها تبعیت کرد و این فسق خلاف عدالت است و جایی برای اتنباع نمی ماند

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ.
الحجرات/٦،

ابن کثیر پیرامون این آیه چنین نوشته است:

وقد ذكر كثير من المفسرين أن هذه الآية نزلت في الوليد بن عقبة بن أبي معيط.

کثیری از مفسرین اهل سنت نقل کرده اند که شان نزول این ایه مربوط به ولید بن عقبه صحابی هست که خداوند او را در قران فاسق خوانده

تفسیر ابن کثیر، ج ٤٠ ص ٢٠٩

پس تا اینجا ثابت هست طبق قران نتنها همه صحابی عادل نبوده بلکه فاسق هم میانشان جولان می دادند

تفسير النسفي = مدارك التنزيل وحقائق التأويل

ابحث في الكتاب:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (6)

{ يا أيها الذين آمنوا إن جاءكم فاسق بنبأ } أجمعوا أنها نزلت في الوليد بن عقبة وقد بعثه رسول الله صلى الله عليه وسلم مصدقا إلى نبي المصطلق وكانت بينه وبينهم إحنة في الجاهلية فلما شارف ديارهم ركبوا مستقبلين إليه فحسبهم مقاتليه فرجع وقال لرسول الله صلى الله عليه وسلم قد ارتدوا ومنعوا الزكاة فبعث خالد بن الوليد فوجدهم يصلون فسلموا إليه الصدقات فرجع وفي تنكير الفاسق والنبأ شياع في الفساق والأنباء كأنه قال أي فاسق جاءكم بأ، نأ { فَتَبَيَّنُوا } فتدققوا فيه وتطلبا بان الأمة والكشاف الحقيقة لا تعتمداه بقدا.

جزء / صفحة 3 350 [الرقم]

- بسم الله الرحمن الرحيم
- الفاتحة
- البقرة
- آل عمران
- النساء
- المائدة
- الأنعام
- الأعراف
- التوبة
- يونس
- هود
- يوسف
- الرعد
- إبراهيم
- الحجر
- التحار

«وليد بن عقبة» صحابه ای که در قرآن به « فسق » از او یاد شده .

الوليد بن عقبة القرشي : صحابي .

<http://library.islamweb.net/hadith/RawyDetails.php?RawyID=1795>

پس استدلال به اتباع هم طبق خود قران باطل شد

جویای کارنارویی الحنفی:

قران گفته از صحابه اتباع کنین نه به این دلیل که معصومن اصلا چرا چون ناقل قول معصوم هستند (خداورسول) و صحابه کلهم عدول این قاعده نزد اهل سنت یعنی کل صحابه درنقل ازرسول عادل هستند

سیدعباس:

احسنتم پس طبق این قاعده اصلا صحابی قابل اتباع نیستن بلکه شما باید از قول رسول الله تبع کنید و نه خود صحابی بلکه خود صحابی واجب الاتباع نیستن فقط در انجایی تبعیت می کنید که روایت از رسول الله نقل کردن این هم شد باطل

حالا برویم سر ادامه بحث

دوستان عزیز من

این نارویی اقرار زیبایی کرده

می گوید طبق قران فقط جایی ما از صحابی اتباع می کنیم که روایت از رسول الله نقل کنه

حال انکه اهل سنت می گویند قول صحابی نزد ما حجت است و اصلا سخنی از نقل روایت نیست که بگوید منظور از حجیت قول همان روایت رسول الله هست دقت کنید بلکه سخن از حجیت قول صحابی هست وقتی شما از خودت قولی و حکمی صادر می کنی می شود قول شما نه قول رسول الله پس منظور علمای اهل سنت حجیت قول صحابی هست

وائمه الاسلام کلهم علی قبول قول الصحابی

همه ائمه اسلام اجماع دارند بر این که قول صحابی قبول است .

ابن قیم ، اعلام الموقعین ، ج ۵ ، چاپ دار ابن جوزی ، ص ۵۵۴

دقت کنید قبول قول صحابی

و نه قبول روایات صحابی از پیامبر

پس برگشتیم به موضوع اول

سوال اینجاست

چرا شما قول افرادی را حجت می دانید که معصوم نیستن؟

جویای کارنارویی الحنفی:

این ایه 6 حجرات عام هست: Surah Al-Hujraat, Verse 6

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِحُّوا عَلَىٰ ۖ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبدا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید!

(Farsi)

via iQuran

این ایه عام یعنی اگر شخص فاسقی خبر آورد تحقیق کنین ایه عام

عزیزم اتباع از صحابه بدلیل این صحابه ناقل از معصوم هستن خدا و رسول

وگرنه خود صحابه معصوم نیستن

سیدعباس:

نه خیر علمای شما نگفتن ان روایات از پیامبر بلکه تصریح بر قول صحابی کردن

اگر معصوم نیستن چرا واجب الاطاعه هستن نزد شما؟

در ضمن اگر صحابی از این جهت واجب الاطاعه هستن چون ناقل سخن رسول الله هستن پس چرا از مولا علی علیه سلام دین نگرفته اید؟

فَلَيْسَ فِي الْأَئِمَّةِ الْأَرْبَعَةِ - وَلَا غَيْرِهِمْ مِنْ أُمَّةٍ الْفُقَهَاءِ مَنْ يَرْجِعُ إِلَيْهِ فِي فِقْهِهِ

در میان ائمه اربعه اهل سنت و غیر از ائمه اهل سنت و فقها اصلا به فقه و فتواهای علی بن ابی طالب مراجعه نمی کردند

الکتاب: منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعۀ القدریه-المؤلف: تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبي القاسم بن محمد ابن تیمیة الحرانی الحنبلی دمشقی (المتوفی: 728هـ)-

المحقق: محمد رشاد سالم-الناشر: جامعه الإمام محمد بن سعود الإسلامیة - ج 7- ص 530

عدالت ربطی به عصمت ندارد و ایضا ربطی به اخذ قول ندارد بماند که عدالت را قبلا صاعقه زدیم

پاسخ شیعه :

قبل از شروع به جواب باید عارض بشوم و بگویم نمی دانم چرا باز هم اینها جرات نکردند مطالب ما رو ردیه بزنند و به صورت گزینشی انتخاب کردن و از ردیه زدن به بقیه مطالب هم عاجز شدند گفتند ما در یک پست روایت و راویان بخاری را تضعیف کردیم و در روایت بعدی گفتیم فلان راوی بخاری ثقه هست

در پاسخ می گوییم، آقای جاهل و نادان بنده این قاعده که راوی جز روات بخاری هست ثقه هست را طبق قول البانی استدلال کردم، حالا چرا به قول البانی استدلال کردم؟ چون تویه نادان برای تضعیف راوی، روایت ما که سعید بن ابی عروبه بود به البانی استدلال کردید لذا ما در جمله این مدعی شما را به راحتی پودر کردیم ان هم با استدلال به قول البانی زیرا شما ادعا کردید البانی راوی را تضعیف کرده ما هم گفتیم این البانی خودش یک عالم استمنائی هست که اصلا مغز نداره چون خود همین اقا قاعدش اینه راوی که جز روات بخاری باشد جرح بر او وارد نیست و به مجرد وجود در صحیحین او ثقه هست همان طور که این را در تاپیک ذیل ثابت کردیم و مجدد هم یک صاعقه می زنیم

https://t.me/menhajol_beda/13487

نکته دوم که البانی صاعقه ای سنگین تر زده تا یاد شما بماند که تضعیف راوی که در بخاری هست خلاف قاعده البانی هست لذا جرح زدن به روات بخاری با استدلال به کلام البانی نشان از جهل و نادانی و استمنائی بودن خود البانی هست،

فی (صحیحته) (4 / 569) عن إسناده فيه الصعق هذا :

وهذا إسناده جيد رجاله ثقات رجال البخاری غیر الصعق بن حزن فهو من رجال مسلم وفيه كلام لا يضر و همچنین از خصائل البانی هست وقتی توثیقی برای روات ندارد می گوید ثقة لانه من رجال البخاری فلان راوی ثقه هست چون بخاری از او نقل روایت کرده

حالا به نظرم بهتر هست برای کودن بودن و بی عقل بودن البانی ، دعا برای شفای عاجلش کنی که اینقدر چرندیات در مذهب خودتان وجود دارد

اما دومین گاف سنگین ملازرتی این بود که ادعا کرد اهل سنت اجماع بر عدالت همه صحابی دارند

در پاسخ می‌گوییم ای کاش جرات می‌کردید معنای عدالت رد اخذ روایت را ذکر می‌کردید لذا از آنجا که شما جماعت در رجال و حدیث جاهل و نادان هستید و سواد و بضاعت علمی ندارید لذا جرات نکردید ابتدا معنای عدالت را ذکر کنید سپس ادعا کنید که همه صحابی عادل هستند

اما ابتدا برویم به تعریف عدالت در حدیث بپردازیم و یک کلاس آموزشی هم برای ملازرتی بگذاریم تا بداند تعریف عدالت در مقبولیت یک راوی برای اخذ روایت از او به چه معنا هست

العدالة:

فلا يقبل خبر الفاسق؛ لأن الله -تعالى- قال: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا. 3﴾ وهذا زجر عن الاعتماد على قبول [قول] الفاسق.

ولأن من لا يخاف الله -سبحانه- خوفاً يزرعه⁴ عن الكذب لا تحصل الثقة بقوله.

روضه الناظر وجنة المناظر في أصول الفقه على مذهب الإمام أحمد بن حنبل-المؤلف: أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة الجماعيلي المقدسي ثم الدمشقي الحنبلي، - ج - 1 ص 329

خوب همان طور که مشاهده نمودید عدالت در راوی به این معنا هست که راوی نباید فاسق باشد لذا وقتی راوی فاسق باشد اخذ روایت از او ساقط می‌شود حالا سوال اینجاست آیا همه صحابی عادل هستند و شرط عدالت بر آن‌ها داخل است برای اخذ روایت یا خیر؟

همان طور هم که پیشتر نمایش دادم این ملازرتی بی‌سواد ادعا می‌کند همه صحابی عادل هستن اما هنوز معنای عدالت که از شروط مقبولیت یک راوی هست را هم نمی‌داند و ما ذکر کردیم که عدالت یعنی عدم فاسق بودن است و وقتی ثابت شد کسی فاسق است دیگر روایت او پذیرفته نیست حالا سوال دوم که مطرح می‌شود این است آیا همه صحابی عادل هستند و میان آنها فاسقی وجود ندارد؟

ملازرتی خوب زانوی تلمذ بزن و یاد بگیر، نتنها همه صحابی شما عادل نیستند بلکه ایه قران در شان فاسق بودن صحابی نازل شده است

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبِيٍّ فَتَّبِعْتُمْ أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ.
الحجرات/٦،

ابن کثیر پیرامون این آیه چنین نوشته است:

وقد ذکر کثیر من المفسرین أن هذه الآية نزلت في الوليد بن عقبه بن أبي معيط.

کثیری از مفسرین اهل سنت نقل کرده اند که شان نزول این آیه مربوط به ولید بن عقبه صحابی هست که خداوند او را در قران فاسق خوانده
تفسیر ابن کثیر، ج ٤٠ ص ٢٠٩

پس تا اینجا ثابت هست طبق قران نتنها همه صحابی عادل نبوده بلکه فاسق هم میانشان جولان می دادند

اما یک ادعایی کردند که مرغ پخته شده هم به انها می خندد

وحالا از روافض می پرسیم:

یک دلیل از قرآن بر عادل بودن اصحاب اجماع تان بیاورید!!!!

در پاسخ می گوییم خدا را شاکریم که هر بار با ملازرتی بحث می کنیم این قول خود را مطلق العنان و مسجل
تر می دانیم که هر جا عقل است عمری نیست و هر جا عمری هست عقل نیست

جویای کارنارویی الحنفی:

دوم عزیزم ائمه اربعه به چیزی فتوا میدادن درقران وسنت برایشان دلیلی نبود قیاس میکردن

سیدعباس:

خیلی از آیات هم عام هست ولی شان نزولش به صحابی و یا رسول الله بر می گردد ولیکن شان نزول آیه به
صحابی هست ولی خطاب هم می تواند عام باشد مانعی نیست

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبِيٍّ فَتَّبِعْتُمْ أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ.
الحجرات/٦،

ابن كثير پيرامون اين آيه چنين نوشته است:

وقد ذكر كثير من المفسرين أن هذه الآية نزلت في الوليد بن عقبه بن أبي معيط.

كثيری از مفسرين اهل سنت نقل کرده اند که شان نزول اين ايه مربوط به وليد بن عقبه صحابي هست که خداوند او را در قران فاسق خوانده

تفسير ابن كثير، ج ٤، ص ٢٠٩

پس تا اینجا ثابت هست طبق قران نتنها همه صحابي عادل نبوده بلکه فاسق هم میانشان جولان می دادند

The screenshot shows the website interface for Al-Maktaba al-Shamaliyya. At the top, there is a navigation bar with the text: الرئيسية تنزيل المكتبة مستودع الكتب شرح البرنامج راسلنا. The main header features the library's name in large blue calligraphic Arabic: المكتبة الشاملة. Below this, a sub-header reads: تفسير النسفي = مدارك التنزيل وحقائق التأويل. The main content area displays a Quranic verse in Arabic: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنِيبٍ أَجْمَعُوا أَنهَذَا نَزَلَتْ فِي الْوَلِيدِ بْنِ عَقْبَةَ وَقَدْ بَعَثَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُصَدِّقًا إِلَى نَبِيِّ الْمِصْطَلِقِ وَكَانَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُمْ إِحْنَةٌ فِي الْجَاهِلِيَّةِ فَلَمَّا شَارَفَ دِيَارَهُمْ رَكِبُوا مُسْتَقْبِلِينَ إِلَيْهِ فَحَسِبَهُمْ مَقَاتِلِيهِ فَرَجَعَ وَقَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ ارْتَدَوْا وَمَنَعُوا الزَّكَاةَ فَبَعَثَ خَالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ فُوجِدَهُمْ يَصِلُونَ فَسَلَمُوا إِلَيْهِ الصَّدَقَاتِ فَرَجَعَ وَفِي تَنْكِيرِ الْفَاسِقِ وَالنَّبَأِ شِيَاعِ فِي الْفَسَاقِ وَالْأَنْبَاءِ كَأَنَّهُ قَالَ أَيُّ فَاسِقٍ جَاءَكَ نَأْمٌ، نَأْمٌ فَتَسْتَنْهَ آخُ فَتَدْفَعُهُ فِيهِ تَطْلَعُهَا سَانَ الْأُمِّ، انْكَشَافِ الْحَقِيقَةِ لَا تَعْتَمِدُهَا نَعْدَا،. Below the text, there are search and navigation controls, including a search box, a page number '350', and a page count '[جزء / صفحة] 3'. On the right side, there is a sidebar with a list of categories and sub-categories, each with a yellow icon and a plus sign, such as 'بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ', 'الفاتحة', 'البقرة', 'آل عمران', 'النساء', 'المائدة', 'الأنعام', 'الأعراف', 'الأفال', 'التوبة', 'يونس', 'هود', 'يوسف', 'الرعد', 'إبراهيم', 'الحجر', 'النحل'.

«وليد بن عقبه» صحابه ای که در قرآن به «فسق» از او یاد شده .

الوليد بن عقبه القرشي : صحابي .

جویای کار نارویی حنفی:

دوم عزیزم ائمه اربعه به چیزی فتوا میدادن درقران وسنت برایش دلیلی نبود قیاس میکردن

سیدعباس:

باز هم ربطی به بحث ندارد بحث اینجاست هست که اصلا به مولا رجوع نمی کردن پس قول صحابی که از پیامبر حجت باشد نزد ائمه شما حجیتی نداشته و مطلب قران نزد آنها مورد استدلال نبوده

نکته بعدی اینجاست این مطلب شما اصلا باز ربطی به بحث ندارد چون اخذ سخن از صحابی هست که چرا ائمه از اهل بیت روایت نمی گرفتن

اتفاقا بین صحابی افرادی بودن که ایمان نیاورده بودن

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» «14

عربهای بادیه‌نشین گفتند: «ایمان آورده‌ایم» بگو: «شما ایمان نیاورده‌اید، ولی بگویید اسلام آورده‌ایم،

و طبق اقرار مفسرین شما این ایه در شان صحابی ولیده بن عقبه نازل شده

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ.
الحجرات/۶،

ابن کثیر پیرامون این آیه چنین نوشته است:

وقد ذكر كثير من المفسرين أن هذه الآية نزلت في الوليد بن عقبة بن أبي معيط.

کثیری از مفسرین اهل سنت نقل کرده اند که شان نزول این ایه مربوط به ولید بن عقبه صحابی هست که خداوند او را در قران فاسق خوانده

تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۲۰۹

پس تا اینجا ثابت هست طبق قران نه تنها همه صحابی عادل نبوده بلکه فاسق هم میانشان جولان می دادند

تفسير النسفي = مدارك التنزيل وحقائق التأويل

ابحث في الكتاب:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الفاطحة

البقرة

آل عمران

النساء

المائدة

الأنعام

الأعراف

الأفال

التوبة

يونس

هود

يوسف

الرعد

إبراهيم

الحجر

النحل

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُمْ لَادِيمٍ (6)

يا أيها الذين آمنوا إن جاءكم فاسق بنبأ فاجمعوا أنها نزلت في الوليد بن عقبة وقد بعته رسول الله صلى الله عليه وسلم مصدقا إلى نبي المصطلق وكانت بينه وبينهم إحنة في الجاهلية فلما شارف ديارهم ركبوا مستقبليين إليه فحسبهم مقاتليه فرجع وقال لرسول الله صلى الله عليه وسلم قد ارتدوا ومنعوا الزكاة فبعث خالد بن الوليد فوجدهم يصلون فسلموا إليه الصدقات فرجع وفي تنكير الفاسق والنبأ شياخ في الفساق والأنباء كأنه قال أي فاسق جاءكم نأ، نأ {فَتَبَيَّنُوا} فتدققوا فيه وتطلبا سان الأمم، انكشاف الحقيقة، لا تحتمدها نقدا،

جزء / صفحة 3 / 350 [الرقم]

«وليد بن عقبة» صحابه ای که در قرآن به « فسق » از او یاد شده .

الوليد بن عقبة القرشي : صحابي .

<http://library.islamweb.net/hadith/RawyDetails.php?RawyID=1795>

جويای کار نارویی حنفی:

اینم بدون سنده

سیدعباس:

احسنتم پس اقرار کردید که اعراب که صحابی بودن از منافقین هستن زیرا در زمان رسول الله آنها را دیده بودن و اسلام را داشتن و طبق تعریف شما صحابی به کسی گویند که اسلام آورده باشد

جويای کار نارویی حنفی:

اینم اعراب و منافقان هستن

سیدعباس:

احسنتم پس اقرار کردید که اعراب که صحابی بودن از منافقین هستن زیرا در زمان رسول الله آنها را دیده بودن و اسلام را داشتن و طبق تعریف شما صحابی به کسی گویند که اسلام آورده باشد

پس صحابی بودن که مومن نبودن

جواب سوالم رو بده

سوال اینجاست

چرا شما قول افرادی را حجت می دانید که معصوم نیستن؟

جویای کار نارویی حنفی:

محمد رسول الله و الذین معه أشداء علی الکفار رحماء بینهم تراهم رکعا سجدا یتبتغون فضلا من الله و رضوانا سیماهم فی وجوههم من أثر السجود ذلک مثلهم فی التوراة و مثلهم فی الإنجیل کزرع أخرج شطأه فآزره فاستغلظ فاستوی علی سوقه یعجب الزراع لیغیظ بهم الکفار وعد الله الذین آمنوا و عملوا الصالحات منهم مغفرة و أجرا عظیما (۲۹)

محمد(ص) پیامبر خداست؛ و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر[و] با همدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می بینی. فضل و خشنودی خدا را خواستارند. علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود در چهره هایشان است. این صفت ایشان است در تورات، و مثل آنها در انجیل چون کشته ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستبر شود و بر ساقه های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد، تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است. (۲۹)

محمدویارانش (صحابه اش) با کفار سختن با خود مهربان آنان همیشه در رکوع و سجودن و صفاتشون در کتب گذشته هم هست و دنبال فضل خداوندن

این ایمان صحابه

سیدعباس:

این هم نه تنها دلالت بر ایمان صحابی ندارد بلکه دلالت بر کفر و بی ایمانی صحابی دارد زیرا می فرماید صحابی کسانی هستند که که با صحابی رحما باشن ولی ابوبکر و عمر با صحابی اشدا بودن لذا صحابی می گفتند که یابن الخطاب عذاب برای صحابی نباش فلا تکون عذاب علی اصحاب رسول الله و از جهتی طبق این ایه صحابی کسانی بودن که با کفار اشدا باشن حال انکه ابوبکر و عمر اشدا نبودن هیچی بلکه فراری بودن و قائل بر عدم جنگ با کفار بودن

و گفتیم طبق این ایه صحابی نه تنها مومن نبودن بلکه منافق هم بودن

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ « 14

عربهای بادیه نشین گفتند: «ایمان آورده ایم» بگو: «شما ایمان نیاورده اید، ولی بگوئید اسلام آورده ایم،

و ایضا همان سوره توبه ایه 101 هم اشاره بر کفر و نفاق صحابی و مهاجرین و انصار هم دارد

وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ (101)

و برخی از بادیه نشینانی که پیرامون شما هستند منافقند و از ساکنان مدینه [نیز عده ای] بر نفاق خو گرفته اند تو آنان را نمی شناسی ما آنان را می شناسیم به زودی آنان را دو بار عذاب می کنیم سپس به عذابی بزرگ بازگردانیده می شوند (101)

پس مشخص شد از مهاجرین و انصار هم منافق بودن

طبق این دو ایه صحابی منافق بودن و نه مومن

حالا فرار نکن به سوالم جواب بده

سوال اینجاست

چرا شما قول افرادی را حجت می دانید که معصوم نیستن؟

جویای کار نارویی حنفی:

اینم درمورد برخی اعراب

اعراب غیر عرب هست

سیدعباس:

نادان می گوید از اهل مدینه بر نفاق خود افزودند نگفته اعراب، اعراب بادیه نشین بودن و نه ساکن مدینه

ساکن مدینه مهاجرین و انصار بودن

اوج بی سواد و نادانی این عمری را ببینید

نقل قول از جویای کار نارویی حنفی:

اینم درمورد برخی اعراب

اعراب غیر عرب هست

سیدعباس: حالا قران چه فرموده

وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ

در کنار شما اعراب و از اهل مدینه

خداوند اینجا اهل مدینه را از اعراب جدا کرده

و بعد هم در ادامه می فرماید اهل مدینه بر نفاق خود افزودند

خوب پس طبق ایه هم اعراب و هم مهاجرین و انصار که از صحابی بودن منافق بودن

و دوستان جالب اینجاست که خود ابن تیمیه هم اقرار می کند میان انصار هم منافقین بودن و ایییییییی خدای

من

مختصر الفنا وعلل المصير بها

لابنت تيمية

تأليف

أستاذ العلوم الشرعية بدارالدين أبي عبد الله محمد بن محمد الحنبلي البغدادي

للتوفيق سنة ١٢٧٧ هـ

أشرف طبعه مطبعة

مطبعة دارالدين في مدينة بغداد المطبعة المطبوع في المطبعة

محمد الشحيح سيد مسالم

مفتي دارالدين في مدينة بغداد المطبعة المطبوع في المطبعة

دار الكتب العلمية

بيروت - لبنان

وقال صلى الله عليه وسلم « إن من آمنَّ الناس علي في صحبته وذات يده : أبو بكر . ولو كنت متخذاً من أهل الأرض خليلاً لآتخذت أبا بكر خليلاً ، ولكن صاحبكم خليل الله ، لا تبقيين خوخة إلا سدت . إلا خوخة أبي بكر » . هذا حديث من أصح حديث يكون باتفاق أهل الحديث .
فعموم الصحبة يندرج فيها كل من رآه مؤمناً به ، ولهذا يقال : صحبه سنة أو شهراً أو ساعة .

ومعاوية وعمرو بن العاص رضى الله عنهما هما من المؤمنين . لم يتهمهم أحد من السلف بنفاق ، بل ثبت في الصحيح « أن عمرو بن العاص لما بايع النبي صلى الله عليه وسلم قال : على أن يغفر الله لي ما تقدم من ذنبي . فقال : يا عمرو ، أما علمت أن الإسلام يهدم ما كان قبله ، وأن الهجرة تهدم ما كان قبلها ، وأن الحج يهدم ما كان قبله ؟ » والإسلام المادم هو إسلام المؤمنين .

وأيضاً فعمرو وأمثاله ، ممن قدم مهاجراً بعد الحديبية ، هاجروا من بلادهم طوعاً ، والمهاجرون لم يكن فيهم منافق ، وإنما كان النفاق في بعض الأنصار ، وذلك لأن الأنصار هم أهل المدينة . فلما أسلم أشرافيهم وجمهورهم احتاج الباقون أن يظهروا الإسلام نفاقاً لعزة الإسلام وظهوره في قومهم . وأما أهل مكة فكان أشرافيهم كفاراً ، فلم يكن يظهر الإسلام إلا من هو مؤمن ظاهراً وباطناً ، فإن من أظهر الإسلام كان يؤذى ويهجر ، فالمهاجرون كلهم لم يتهمهم أحد بالنفاق ، ولعن المؤمن كقتله .

وأما معاوية بن أبي سفيان وأمثاله من الطلقاء - الذين أسلموا بعد الفتح كعكرمة بن أبي جهل ، والحارث بن هشام ، وسهيل بن عمرو ، وصفوان بن أمية وأبي سفيان بن الحرث بن عبد المطلب - ممن حسن إسلامهم باتفاق الناس ، ولم يتهم أحد منهم بعد ذلك بنفاق .

وَأِنَّمَا كَانَ النِّفَاقَ فِي بَعْضِ الْأَنْصَارِ

بلکه نفاق در برخی از انصار بود

بدر الدین البعلی، محمد بن علی بن أحمد بن عمر (المتوفی 778 هـ)، مختصر الفتاوی المصریة لابن تیمیة، المحقق: عبد المجید سلیم - محمد حامد الفقی، الناشر: مطبعة السنة المحمدیة - تصویر دار الکتب العلمیة.

طبق ایه و به اقرار ابن تیمیة خدای وهابیت انصار و مهاجرین منافق هستن

اما برویم سر ایه جدید

نقل قول از جویای کار نارویی حنفی:

و الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله و الذین آووا و نصروا أولئک هم المؤمنون حقا لهم مغفرة و رزق کریم (۷۴)

و کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا به جهاد پرداخته، و کسانی که [مهاجران را] پناه داده و یاری کرده اند، آنان همان مؤمنان واقعی اند، برای آنان بخشایش و روزی شایسته ای خواهد بود. (۷۴)

کل مهاجروانصارمومن حق وواقعی هستن

سیدعباس:

در این ایه اولاً کجا فرموده مهاجرین و انصار مومن هستن؟

دوم کجا فرموده همه مهاجرین و انصار مومن هستن؟

سوال اینجاست

چرا شما قول افرادی را حجت می دانید که معصوم نیستن؟

جالب تر از همه اینه که محمد بن عبد الوهاب می گوید مهاجرین هم از کفار بودن

أما سمعت الله کفرهم بکلمة مع کونهم فی زمن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و یجاهدون معه و یصلون و یزکون و یحجون و یوحدون»

آیا نشنیدی که خداوند صحابه را به خاطر گفتن یک کلمه، تکفیر کرده است. با اینکه این صحابه در زمان رسول خدا بودند. و در رکاب پیغمبر جهاد می کردند. و نماز می خواندند و زکات می دادند و حج انجام می دادند و به وحدانیت خداوند هم شهادت می دادند.

کشف الشبهات ج 1 ص 174

كشفت الشبهات

لشيخ الإسلام محمد بن عبد الوهاب

ومعه

تعلیقات و توضیحات مفید و بیان لذت بخش
الشیخ رحمه الله فی مسائل العذر بالجهل
وتأثیر المعین والفرق بین قیام و فراموشی

راہبنا قدم لا
الشیخ الذکور
یا سیرہ سامی
حفظہ اللہ

کتاب التعلیقات
طلعت مرزوق
عفرتہ اللہ

دارالمصنعة
توزيع الكتاب على الشريعة والاسلام
تلفظ: ۰۵۱۷۲۶۶ - ۰۵۱۷۲۶۶
تلفظ: ۰۵۱۷۲۶۶ - ۰۵۱۷۲۶۶

دارالافتاء
الطبع والنشر والوزع
بمكة ۰۵۱۷۲۶۶

کتاب الشبهات

وتكذب الرسول ﷺ والقرآن وإنكار البعث وغير ذلك ، فما معنى الباب الذى ذكر العلماء فى كل مذهب « باب حكم المرتد » وهو المسلم الذى يكفر بعد إسلامه ، ثم ذكروا أنواعاً كثيرة كل نوع منها يكفر ويحل دم الرجل وماله ، حتى أنهم ذكروا أشياء يسيرة عند من فعلها ، مثل كلمة يذكرها بلسانه دون قلبه أو كلمة يذكرها على وجه المزاح واللعب .

ويقال أيضاً : الذين قال الله فيهم : ﴿ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ ﴾ [التوبة : ۷۴] ^(۱) ، أما سمعت الله كفرهم بكلمة مع كونهم فى زمن رسول الله ﷺ ويجاهدون معه ويصلون معه ويذكون ويحجون ويحذون ؟

وكذلك الذين قال الله فيهم : ﴿ وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ لِمَنْ كَفَرَ بَعْدَ مَا نَبَّأَ بِاللَّهِ وَإِيَّاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ ﴾ [التوبة : ۶۵ ، ۶۶] ، فهؤلاء الذين صرح الله فيهم أنهم كفروا بعد

(۱) وقد اختلف أئمة التفسير فى سبب نزول هذه الآية : فقيل : نزلت فى الجلاس بن سويد بن الصامت وديعة بن ثابت ، وذلك أنه لما كثر نزول القرآن فى غزوة تبوك فى شأن المنافقين ودمهم ، فقالوا : لئن كان محمد صادقاً على إخواننا الذين هم ساداتنا وخيارنا لنحن شر من الحمير ، فقال له عامر بن قيس : أجل والله إن محمداً لصادق ، وإنك لشر من الحمير ، وأخبر عامر بذلك النبي ﷺ ، وجاء الجلاس فحلف بالله أن عامراً لكاذب ، وحلف عامر لقد قال ، وقال : اللهم أنزل على نبيك شيئاً فنزلت . وقيل : إن الذى سمع ذلك عاصم بن عدى ، وقيل : حذيفة ، وقيل : بل سمعه ولد امرأة الجلاس واسمه عمير بن سعد فهم الجلاس بقتله لثلاث بغير بخيره . وقيل : نزلت فى عبد الله بن أبي راس المنافقين لما قال : ما مثلنا ومثل محمد إلا كما قال القائل : « سمن كلتك بأكلك » و « لئن رجعنا إلى المدينة ليخرجن الأعز منها الأذل » [المنافقون : ۸] ، فأخبر النبي ﷺ بذلك ، فجاء عبد الله بن أبي راس فحلف أنه لم يقله . وقيل : إنه قول جميع المنافقين ، وأن الآية نزلت فيهم . قال الشوكاني : وعلى تقدير أن القائل واحد أو اثنان نسبه القول إلى جميعهم حتى باعتبار موافقة من لم يقل ولم يحلف من المنافقين لمن قال وحلف ، وقوله تعالى : ﴿ وكفروا بعد إسلامهم ﴾ أى كفروا بهذه الكلمة بعد إظهارهم للإسلام ، وإن كانوا كافرين فى الباطن . أ. هـ « فتح القدير » (ج ۲ ص ۳۸۲ - ۳۸۳) .

پس انصار را ابن تیمیه منافق خواند و مهاجرین را عبد الوهاب کافر خواند

خوب عبد الله بن ابی سلول از انصار بوده

و این شخص در بیعت شجره حضور داشته و جماعت عمریه قاعده دارند و می گویند هر کسی در بیعت شجره

بوده مومن بوده و جهنمی نیست

مسلم نیشابوری در صحیح خود می‌نویسد:

حدثني هَارُونُ بن عبد الله حدثنا حَجَّاجُ بن مُحَمَّدٍ قال قال بن جُرَيْجٍ أخبرني أبو الزُّبَيْرِ انه سمع جَابِرَ بن عبد الله يقول أَخْبَرْتَنِي أُمُّ مُبَشَّرٍ انها سَمِعَتْ النبي صلى الله عليه وسلم يقول عِنْدَ حَفْصَةَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ ان شَاءَ الله من أَصْحَابِ الشَّجَرَةِ أَحَدٌ الَّذِينَ بَايَعُوا تَحْتَهَا

ام بشر گوید که از پیامبر (ص) شنیدم با حفصه می‌گفت: ان شاء الله هیچ یک از کسانی که در زیر درخت بیعت کرده‌اند، وارد آتش جهنم نمی‌شوند.

النيسابورى القشيري ، ابوالحسين مسلم بن الحجاج (متوفای 261هـ)، صحیح مسلم، ج 4، ص 1942، ح 2496
37 ، كِتَابِ فَضَائِلِ الصَّحَابَةِ ، بَابِ مِنْ فَضَائِلِ أَصْحَابِ الشَّجَرَةِ أَهْلِ بَيْعَةِ الرُّضْوَانِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

محيى الدين نووى ، در شرح این روایت می‌نویسد که آتش جهنم، هرگز اصحاب حديبيه را نمی‌سوزاند :

قوله صلى الله عليه وسلم (لا يدخل النار إن شاء الله من أصحاب الشجرة أحد من الذين بايعوا تحتها) قال العلماء معناه لا يدخلها أحد منهم قطعا كما صرح به فى الحديث الذى قبله حديث حاطب وانما قال إن شاء الله للتبرك لا للشك.

فرمایش رسول خدا (ص) است که فرمود : «ان شاء الله هیچ کس از بیعت کننده گان در زیر درخت در آتش نمی‌سوزند» علماء در تفسیر معنای آن گفته اند : قطعا هیچ فردی آنها سوی آتش برده نمی‌شوند و در آتش نمی‌سوزند؛ چنانچه به صورت روشن در حدیث مربوط به حاطب آمده بود که گذشت ،

قيد انشاء الله که در روایت ذکر شده است ، به این معنا نیست که در این حکم شکی وجود دارد؛ بلکه این قيد را برای تبرک فرموده است.

النووى الشافعى، محيى الدين أبو زكريا يحيى بن شرف بن مر بن جمعة بن حزام (متوفای 676 هـ)، شرح النووى على صحیح مسلم، ج 16، ص 58، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة الثانية، 1392 هـ

این هم حضور عبد الله بن ابی سلول در حديبيه

بد الدرین عینی در عمده القاری، شرح صحیح بخاری می‌نویسد: روایت می‌کند:

ان ابن ابي قال يوم الحديبية كلمة حسنة ، وهي : أن الكفار قالوا : لو طفت أنت بالبیت ؟ فقال : لا ، لی فی رسول الله إساءة حسنة ، فلم يطف .

روز حدیبیه «أبی» کلام زیبایی گفت : وآن این بود که کفار گفتند : اگر بخواهی می توانی طواف کنی ! او در پاسخ گفت : خیر ! رسول الله برایم الگویی خوبی است . بدین ترتیب «أبی» به طواف مکه نرفت .

العینی الغیتابی الحنفی، بدر الدین ابومحمد محمود بن أحمد (متوفای 855هـ)، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، ج8، ص 54، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت.

این هم حضور عبد الله بن ابي در حدیبیه

اولا ثابت شد عبد الله بن ابي در بیعت شجره بوده

ثانیا ثابت شد هر کسی در این بیعت باشد مومن است و جهنم بر او حرام است

ثالثا ثابت شد او انصار است

پس یک انصار طبق اقرار نارویی منافق است

نارویی این چنین می گوید

جواب مشخص

دوستان کل مهاجرین و انصار مومن واقعی اند و منافقان اصلا ایمان نیاوردن فلذا عبدالله بن سلول منافق و غیر مهاجر و انصار

اثبات نفاق انصار توسط ابن عباس

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، قَتْنَا أَسْوَدَ بْنَ عَامِرٍ قَتْنَا إِسْرَائِيلَ، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: إِنَّمَا كُنَّا نَعْرِفُ مُنَافِقِي الْأَنْصَارِ بِبُغْضِهِمْ عَلِيًّا

ابی سعید الخدری: ما منافقین انصار را با بغض شان به علی (ع) می شناختیم

فضائل الصحابة. ج2 ص 579. ط جامعه ام القرى

طبق این اقرار ابن عباس، انصار هم نتنها مومن نیستن بلکه میان انها منافقین جولان می دادند

والسلام